

گفت و گوی «جوان» با یک بانوی تولید کننده صنایع دستی دارای نشان ملی

کارآفرینی یک مادر برای ۲۵۰ زن سرپرست خانوار



گفت و گو
ملیحه مرادی



بسیار علاقه دارد. به او توصیه می کنم در کنار رشته مورد علاقه اش حتماً هنر نیز بیاموزد و یک کارآفرین باشد، چون کارآفرینی در جهت حمایت از نیازمندان است و همین که دست کسی را بگیري، حس شادی را درون وجود زنده می کنی. من معتقدم سفره های که پهن کردم باعث شده هم خودم و هم اطرافیانم از آن روزی انتفاع ببریم و همیشه به دخترم توصیه می کنم که اگر چند نفر بتوانند کنار تو روزیشان را در بیاورند خیلی خوب است.

رابطه شما با کارکنان تولیدیستان قطور است؟

در مورد نیروهایم به شخصه طوری با آنها رفتار می کنم که هر زمان نیاز به چیزی داشتند به آنها کمک کنم و از نظر مالی هم هر زمان نیاز به پول داشته باشند، مبلغی را به آنها می دهم که به کار دلگرم شوند و دغدغه معیشت مانع کارشان نشود.

برخی معتقدند آداب و رسوم خانواده ها یا اقوام و قبایل سنتی مانع اشتغال و فعالیت اقتصادی زنان است. نظر شما در این باره چیست؟

خانم هایی در بوشهر زندگی می کنند که عرب زبان

اگر چه صنایع دستی عنوان صنعت را یکدک می کشد و هر جا که سخن از صنعت می شود طبیعتاً مسائل اقتصادی چون هزینه، درآمد، نیروی کار و آموزش نیز مطرح می شود، اما به طور معمول به صنایع دستی به عنوان یک صنعت که می تواند شغلی درآمده ساز باشد نگاه نمی شود، از این رو سرمایه گذاری جدی برای توسعه این بخش به ویژه در بین زنان در جامعه انجام نمی گیرد. بررسی قدمت صنایع دستی در ایران بیانگر آن است که این دست صنایع مدت مدیدی است که در جای جای ایران وجود دارد، اما از آنجا که روی توسعه محصولات صنایع دستی چندان کار جدی نشده است، هم برخی از این مشاغل در معرض از بین رفتن هستند و هم اینکه توسعه رشته های مختلف صنایع دستی مورد بی توجهی قرار گرفته است. این در حالی است که در شرایط کنونی اقتصاد ایران توسعه صنایع دستی می تواند هم مشکل بیکاری را حل کند و هم اینکه تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد. صنایع دستی یکی از قدیمی ترین شغل هایی است که در کشور و به ویژه استان بوشهر وجود دارد. از زمان های قدیم بیشتر مردم روستاهای این استان توانایی انجام و ساخت بعضی از صنایع دستی بومی را دارند. فوزه به مقتدر فرد، یکی از کسانی است که در این زمینه توانسته فعالیت داشته باشد و در کنار تأمین مالی خود و خانواده حداقل ۲۵۰ نفر را در این حوزه مشغول کار و فعالیت کند. در همین رابطه گفت و گویی با این فعال اقتصادی و کارآفرین انجام دادیم که در ذیل می خوانید.

قطور وارد فعالیت در صنعتی شدید که کمتر کسی وارد آن شده بود؟

سال ۹۱ کفیدوزی را از مسایه خواهر شوهرم یاد گرفتم و اولین چرخ خیاطی راسته دوزی را با حقوق شوهرم به مبلغ ۴۸۰ هزار تومان خریدم و یک تولیدی کفیدوزی راه انداختم. با تلاش های فراوان، استاد کفیدوزی و چرم دوزی شدم و در زمینه آموزش فعالیتیم را شروع کردم. بعد از مدتی با کمک و حمایت های شبانه روزی همسر توانوی صنایع دستی را ثبت کردم تا بتوانم در همه رشته های صنایع دستی، هم در زمینه آموزش و هم تولید فعالیت داشته باشم.

تشکیل خانواده و فرزندان در روند کاری شما چه تأثیری داشت؟

سال ۹۱ که شروع به کار کردم، یک دختر دو ساله داشتم و بعد از ۹ سال خداوند فرزند پسری به من عطا کرد و از این بابت خدا را شاکرم. با وجود اینکه صاحب دو فرزند بودم، به تمامی کارهایم به موق رسیدگی می کردم و زمانی که همسر از سر کار به منزل می آمد، بچه ها را به او می سپردم و به کارهای بیرون منزل و تولیدی رسیدگی می کردم، به کلاس های آموزشی می رسیدم و برای خرید مواد اولیه به بازار می رفتم، سپس مواد اولیه را به منزل تولیدکننده ها می رساندم. در حال حاضر زمان زیادی را صرف کار کردن می کنم، حتی ساعات بیشتری نیست به آقایان در حال کار کردن هستم. هم اکنون ۲۵۰ نیروی کار دارم که همگی از خانم های بی سرپرست و بدسرپرست هستند. به عنوان راهبر کمیته امداد، تک تک خانه ها را می گردم و کسانی را که از نظر مالی وضعیت مناسبی ندارند پیدا می کنم و برایشان کلاس های رایگان آموزشی می گذارم و بعد از دوره های آموزشی، خروجی کلاس کسانی هستند که به این شغل علاقه دارند. به آنها کار می دهم و در تولیدی کنار خود مشغول کار می شوند. به طور جدی به مدت پنج سال است که در رشته حصیریافی و کپوبافی فعالیت دارم، به عبارتی هم در زمینه آموزش و هم تولید صادرات محور فعالیت دارم.

آینده خود را در حوزه اقتصادی و بازرگانی چگونه می بینید؟

به عنوان یک فعال اقتصادی طبیعتاً در مورد آینده هم فکر می کنم، با ۲۵۰ نیروی کاری که دارم توانایی این را در خود می بینم که یک سهامدار بزرگ در زمینه صنایع دستی باشم. فرزندان خود را به ادامه کار تان تشویق می کنید؟

تحصیلاتم فوق دیپلم است و دخترم به رشته پزشکی

هم اکنون ۲۵۰ نیروی کار دارم که همگی از خانم های بی سرپرست و بدسرپرست هستند. به عنوان راهبر کمیته امداد، تک تک خانه ها را می گردم و کسانی را که از نظر مالی وضعیت مناسبی ندارند پیدا می کنم و برایشان کلاس های رایگان آموزشی می گذارم و بعد از دوره های آموزشی، خروجی کلاس کسانی که به این شغل علاقه دارند. به آنها کار می دهم

توانستم کیفیت کارم را بالا ببرم تا جایی که به کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند قطر، عمان و امارات همچنین به صورت جدیانه به کشورهای اروپایی صادرات داشته باشم، اما متأسفانه یکی از مشکلات این است که دلالتان مواد اولیه را از استان خارج می کنند. همچنین هنرمندانی را که ما از صفر به صد رسانده ایم از ما می گیرند.

چه توصیه ای به خانم ها دارید؟

در کل یک خانم اگر بخواهد کاری را شروع کند باید به این مسئله اعتقاد داشته باشد که وقتی روی یک شاخه می نشیند از شکستن آن شاخه نباید هراسی داشته باشد، چون به آن شاخه اعتماد نکرده، بلکه به دست ها و بال های خود اعتماد کرده و باور داشته است. در قدیم خانم هایی که در استان بوشهر زندگی می کردند با برگ درخت خرما فقط حصیر گرد و همان سبد و زنبیل ساده تولید می کردند، ولی الان با طرح های جدیدی که خودم انجام دادم و ایده هایی که داشتم، روی برگ درخت خرما برنامه ریزی کردم و ایده های بسیار جدید و نو وارد بازار کردم و با کارهای سبک و کاربردی توانستم با برگ درخت خرما انواع دیوار کوب، لوستر، ظروف نان، جای حیوانات، جای برنج، آینه، کوسن حصیری، نشیمن حصیری، کیف حصیری و خیلی از کارهای دیگر را تولید کنم و به تلفیقی از حصیر و برگ درخت خرما کارهای متنوع و زیبایی را وارد بازار کردم که تا قبل از این کسی این کار را نکرده بود، پس خواستن، توانستن است و خانم های توانمند در حوزه مشاغل صاحب موفقیت شوند.

نشان ملی را قطور و با چه محصولاتی اخذ کردید؟

نشان ملی این است که یک کار جدید و تلفیقی با کیفیت عالی را که قبل از آن تولید نکرده باشند تولید کنید. من با تولید یک نشیمن طبی که داخلش را پشم شتر قرار دادم برای افراد گرم مزاج و برای افراد سردمزاج هم پنبه طبیعی قرار دادم توانستم این نشان را دریافت کنم. قبل از من کسی این کار را انجام نده بود. در حال حاضر این محصول را صادر می کنم و سفارشات زیادی هم در داخل کشور دارم. علاوه بر این کوسن حصیری، مبیل و یک کیف حصیری دوشی هم از تلفیق چرم طبیعی و حصیر تولید کردم که به آنها هم نشان ملی تعلق گرفت. گاهی پیش می آمد که بافنده ها در شروع کار مواد اولیه را خراب می کردند، ولی من به آنها امید می دادم که از کار منصرف و ناامید نشوند و ادامه دهند. گاهی برای بار دوم هم کار را خراب تحویل می دادند و من مجبور بودم دستمزدشان را هم بدهم، این مسئله برخی اوقات تا چهار یا پنج بار ادامه پیدا می کرد، ولی من همچنان با امید، انگیزه و صبوری به کار و آموزش ادامه می دادم تا جایی که کاری را که مدنظرم بود، بتوانند تحویل دهند.

کرنا چه تأثیری در کار تان گذاشت؟

شرایط کرنا باعث شد کارگاه تعطیل شود و نمایشگاه ها هم تعطیل شد، ولی در این شرایط سعی کردم محصول تولیدی نیروهایم را بخرم تا دستشان تنگ و از کار دلزد نشوند، چون احساس تعهد داشتم و این محصولات را به سختی در انبار نگه می داشتم، چون کپو طوری است که اگر در شرایط نم و رطوبت باشند کپک می زنند. به خاطر همین سعی می کردم با قیمت کمتر یا حتی بدون سود آنها را به مشتری بفروشم که نه مشتری را از دست بدهم و نه نیروی کارم را.

علاوه بر خانم ها، آقایان هم با شما همکاری دارند؟

نیروهای من به طور غیرمستقیم در منزل با من کار می کنند و بعضی ها خانوادگی و طایفه ای این کار را انجام می دهند. خانم ها به همراه همسران و بچه ها یا مادرشوهر، عروس و نوه ها همگی در این کار فعالیت می کنند.

خانواده شما هم در این کار هستند؟

بله، چهار خواهر دارم که همگی در کار صنایع دستی فعالیتند. یکی از خواهرانم به همراه همسرش به صورت مجازی فعالیت می کنند و درآمد خوبی هم دارند. خواهر دیگرم کنار من در گالری که برای فروش داریم، مشغول کار است. همگی در کار صنایع دستی فعالیت داریم.

سختی های کار شما چیست؟

مواد اولیه به سختی پیدا می شود و برای تهیه آن باید به روستاهای دور که مسیرهای بدی هم دارند بروم و گاهی باید تنها تا نیمه شب برای تهیه مواد اولیه که فقط در تابستان می توانم انبار کنم مشغول هستم، چون در زمستان به دلیل سردی هوا این برگ ها و شاخه ها خشک نمی شوند، به همین دلیل باید در تابستان انبار را پر کنم و اعتماد چند باغدار امین که بتوانم مواد اولیه را از آنها بگیرم، جلب کنم. از دیگر سختی های کار، وجود دلار هاست که با پیشنهاده ۱۰ تا ۱۰ هزار تومان بیشتر نیروی استاد کار من را از دستم درمی آورند و این موضوع برایم بسیار سخت است، چون با زحمت فراوان استاد کار تربیت می کنم.

نکته

این زن ها اثر انگشت ندارند!

زنی دیگر را می شناسم که از رame سمنان به نمایشگاه محصولات کشاورزی بوستان رفت و گو آمده بود تا عمل بفروشد. برایم تعریف کرد که با زنان محله شان الگوها و طلاهایشان را فروخته اند تا کتندوهای پرورش زنبور عسل بخرند. می گفت به نمایندگی از آنها به تهران آمده امانمی داند کار درستی کرده اند که طلاهایشان را فروخته اند تا کار کنند یا نه؟

می گفت دوست نداریم برای پول جلوی کسی دست دراز کنیم و می خواستیم خودمان کار کنیم. مثال ها زیاد هستند اما این زن ها همیشه در حاشیه بوده اند.

این زن ها همیشه پشت تصاویر رنگارنگ سایر زن ها مخفی مانده اند. زن هایی که برای زندگی سخت می جنگند، قوی هستند، عزت نفس دارند و علاوه بر کار دشوار خانه داری، بار سنگین معیشت هم بر دوش تحیف شان است اما چه کسی این زن ها را دیده است؟ چه کسی برای حقوق این زن ها جنگیده یا دست کم تلاش کرده است برآرد؟ کسی می داند در این شرایط سخت اقتصادی این زن ها چه می کنند؟ زانی که با سختی های طاقت فرسای زندگی می جنگند تا کم نیاورند. زانی که دست شان بر زانوهای خویش است و برای بقه فانی عزتمندانه سر خم نکرده اند.



یادداشت

عصر آگاهی زنان و تأثیر آن بر اقتصاد

زنان در عرصه اقتصاد

فعل خواستن را به توانستن تبدیل کردند

مطابق تحقیقات انجام شده هر چه اشتغال زنان در اقتصاد بیشتر باشد، جهان ثروتمندتر و رفه تر خواهد شد، این در حالی است که سهم زنان از مشاغل دنیا عمدتاً مربوط به مشاغل سخت و از همه مهم تر کم درآمد است. در ایران به همراه افزایش جمعیت جوان مانع فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان شده است، این مانع فعالیت اجتماعی و اقتصادی چشمگیر بوده این در حالی است که بازار کار کشور دارای ساختارهایی نامناسب از نظر جذب نیروی کار به ویژه کار زنان است.

اینکه گفته می شود زن وظیفه دارد خانه داری و در تربیت فرزندان تلاش کند اگر چه سختی بجا و منطقی است، اما این موضوع نباید نیک و مانع فعالیت اجتماعی و اقتصادی زنان شود چرا که به عقیده بسیاری از کارشناسان، زنان حتی اگر خانه دار هم باشند و درآمدی حاصل از اشتغال نداشته باشند، در مدیریت اقتصادی خانواده نقش بسیار مهم و بسزایی ایفا می کنند.

آنچه مسلم است اینکه نیازها و خواسته های زنان طی سال های اخیر تحولات چشمگیری داشته است. امروز زنان به عرصه فعالیت بیشتر از گذشته متمایل به حضور در عرصه های اجتماعی و اقتصادی هستند و در همین راستا به مدد آموخته های خود و تحصیلات دانشگاهی آنها در بسیاری از اموری که زمانی برای زنان جزو ممنوعیت ها و محدودیت ها بود، قدم قلم کنند و بگویند که ما هم می توانیم همچون مردان برای پیشرفت کشورمان تلاش کنیم.

بی شک حضور زنان در مراکز علمی -آموزشی بسیار بیشتر از گذشته مشهود است و این نشان دهنده همان عزمی است که می خواهد فعل خواستن را به توانستن مبدل کند. نباید فراموش کرد که زنان و مهارت ها و توانمندی های آنان باید به خوبی دیده و شکوفا شود تا با داشتن نگاهی خلاق و مدبرانه بتوانند به وظایف اولیه خود که همانا تربیت فرزندان و نقش تأثیر گذارشان در چرخه اقتصادی خانواده و جامعه است، جامه عمل ببوشانند تا فرزندان سالم و مفیدی به جامعه تقدیم کنند.

به گفته برخی کارشناسان تناقضی در جامعه ایران برای زنان رقم خورده است که البته حل آن نیاز به زمان دارد، به طوری که جامعه باید پاسخگوی نیازهای اجتماعی و اقتصادی آنها باشد و خود را با این خواسته ها منطبق کند و از همه مهم تر اینکه مردان باید این نکته را بیذیرند که زنان آمده اند تا کمکی برای آنان زنن در سراسر دنیا نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای در اداره امور خانواده و جامعه بر عهده دارند و برای تسریع در روند تغییر و تحقق هدف های توسعه پایدار می توانند مسئولیت های بسیار مهم و تأثیر گذاری را عهده دار باشند.

مریم شکرانی - روزنامه نگار

«خانم اثر انگشت تان ثبت نمی شود... شما اصلاً اثر انگشت ندارید!» این جملات را مأمور دفتر پیشخوان دولت به زنی جوان و بلند قامت می گوید و زن به دست های زبرش نگاه می کند؛ دست هایی که رد زحمت و خستگی را می شود به وضوح روی آن دید.

می گوید به سختی مرخصی گرفته و آمده است و می پرسد حالا چه کار کند؟... از دفتر پیشخوان دولت خارج می شوم. چند سال پیش وقتی در روزنامه شهروند کار می کردم، با زنی دیگر همچون او مواجه شدم. سوپرمارکتی کوچک در دست دیوار به دیوار روزنامه قرار داشت و بچه های روزنامه مشتریان ثابت آن بودند. روزی پله های سوپرمارکت را بالا رفتم و به محض اینکه وارد شدم، زنی میانسال با قامتی خمیده و زنبیلی سیاه خارج شد. مشغول تماشا ی قفسه ها بودم که آقای فروشنده خواش کرد بستانه ی سبزی پاک کرده بخرم و بلافاصله شروع کرد به تعریف ماجرا. اینکه آن بستانه های سبزی را زنی که سرپرست خانوار است در سوپرمارکت های محله توزیع می کند و سوپرمارکت داران بابت فروش آن سودی نمی برند و آنها این کار را فقط برای کمک به زنان سرپرست خانوار انجام می دهند یا

معصومه صالحی

مطابق آخرین گزارش های مرکز آمار ایران در پاییز اسال جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر؛ ۲۵ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بوده که از این تعداد ۲۲/۵ میلیون نفر شاغل و ۲/۳ میلیون نفر بیکار هستند و جالب تر اینکه سهم زنان از جمعیت شاغل فقط حدود ۳/۵ ساله و بیشتر؛ است، این در حالی است که سبقه تاریخی حضور زنان به عنوان نیروی شاغل و کارآفرین به دوران پیامبر اسلام (ص) می رسد؛ زمانی که حضرت خدیجه (س) به عنوان زخمین بانوی نیکوکار و کارآفرین جهان اسلام در کنار پیامبر اکرم (ص) قرار گرفت و به راستی و بحق که اقدامات نبی مکرم اسلام (ص) با کارهای نیک و به ثمر رسید موجب غرور و ثبات این مکتب حق و بندگی شد. در دورانی که اعراب دختران شان را زنده به گور می کردند حضرت خدیجه (س) همسر گر انقدر پیامبر (ص) نخستین بانوی کارآفرین جهان اسلام شد و توانست برای بسیاری از جوانان در آن دوران کارآفرینی کند.

حال با گذشت سال ها از آن زمان و در حالی که امروز زنان و دختران این مرز و بوم بسیار آگاه تر و توانمندتر از گذشته در شرایطی به سر می برند که در بسیاری مشاغل می توانند همراه مردان و حتی در برخی شغل ها بالاتر از آنها فعالیت کنند و علاوه بر محصولات را به و توانایی خود، در توسعه و پیشرفت شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه نقش بسزایی ایفا کنند.

اگر چه امروزه حضور زنان را در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی ورزشی ملموس تر از گذشته شاهد هستیم اما باید به این نکته تأمل برانگیز و قابل توجه نیز اشاره کرد که همچنان سهم زنان و دختران پرانگیزه و پر توان مادر گوشه گوشه این مرز و بوم به خوبی اذ نمی شود و هنوز هم به دلیل نبود مساوات و برابری با مردان شاهد هستیم زنان در شغل یابی بسیار راه دشوارتری پیش رو دارند.

امروز به جرئت می توان گفت که عصر آگاهی زنان است. امروز زنان و دختران این مرز و بوم با گذشته بسیار فرق کرده اند و متحول شده اند. امروز آموخته اند که چگونه دوشادوش مردان در عرصه های گوناگون از جمله تحصیلات دانشگاهی و مشاغل متعدد و ایجاد رفاه برای خود و خانواده های شان قدم بردارند و چگونه در کنار مردان در ساختن ایرانی آباد و توسعه یافته تر نقش آفرینی کنند. همان گونه که بر هیچ کس پوشیده نیست زنان در سراسر دنیا نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای در اداره امور خانواده و جامعه بر عهده دارند و برای تسریع در روند تغییر و تحقق هدف های توسعه پایدار می توانند مسئولیت های بسیار مهم و تأثیر گذاری را عهده دار باشند.